

نمادپردازی رنگ‌های سبز و قرمز در آیین ازدواج هرمزگان

فرح امینی *

نسرین عتیقه‌چی **

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۲۰

چکیده

آداب و سنن هرمزگان مانند تمامی آیین‌ها، سرشار از نمادها و نشانه‌هایی است که درک و دریافت آن مستلزم شناخت باورها، عقاید و فرهنگ عامیانه‌ی بومیان این منطقه و در نتیجه آشنایی با هویت ملی است. رنگ در کنار زیبایی‌ها و ویژگی‌های روانی خاص خود، از عناصر بصری مهم و تأثیرگذار در آیین ازدواج بومیان هرمزگان است که در آداب و رسوم و آیین‌های این منطقه نمود ویژه‌ای دارد. مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی نشان می‌دهد؛ در آیین ازدواج بومیان هرمزگان دو رنگ سبز و قرمز پرکاربردترین رنگ‌ها هستند. در پژوهش حاضر به منظور آشنایی با جنبه‌های نمادین این دو رنگ و معنا و مفهوم آنها در آیین ازدواج، ابتدا اطلاعات لازم در مورد مراحل مختلف آیین‌های مربوط به ازدواج - که رنگ سبز و قرمز در آنها نقش بارزی دارد - جمع‌آوری، سپس با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی وجه نمادین آنها بررسی شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که کاربرد این دو رنگ در آیین ازدواج هرمزگان علاوه بر جنبه‌ی زیبایی، مفاهیمی نمادین دارد و با مضمون آیین مورد نظر مرتبط می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: نماد، رنگ قرمز، رنگ سبز، آیین ازدواج، هرمزگان.

۱- مقدمه

در جهان امروز که به سرعت در حال نو شدن است و شاهد از بین رفتن ریشه‌ها و همسان شدن فرهنگ‌ها و هویت‌های بومی هستیم، شناخت هویت‌های پیشین و باورهای آگاهانه یا ناخودآگاه مردم، ضروری به نظر می‌رسد. توجه به پیام‌ها و رمز و رازهای موجود در آیین‌ها و رفتارهای خاص مردم در مناطق مختلف ایران، یکی از راه‌هایی است که می‌تواند به شناخت باورها، آداب و سنن و خاستگاه‌های مختلف و در نتیجه شناخت هویت و اصالت فرهنگی و ملی ما منجر شود. در میان آیین‌های استان هرمزگان، آیین ازدواج با وجود گذر زمان و تغییر بسیاری از آداب سنتی مربوط به آن، همچنان بسیاری از ویژگی‌های خود را حفظ نموده؛ نمونه‌ی بارز این ویژگی‌ها جلوه‌های بصری و نمادین رنگ‌های مورد استفاده در این آیین است. بررسی‌های میدانی این نکته را تأیید می‌کند که در میان رنگ‌های قابل مشاهده در مراحل

مختلف آیین ازدواج در هرمزگان، رنگ‌های سبز و قرمز حضوری چشمگیر و مؤثر دارد. در مناطق مختلف استان هرمزگان، رنگ سبز را می‌توان در لباس عروس بومی، بر سر سفره‌ی عقد یا در ملزومات متعلق به مراحل مختلف این آیین مانند مراسم دعوت به عروسی، ساخت و حنابندان به عنوان رنگ غالب مشاهده کرد. در کنار آن، رنگ قرمز نیز در یکی از سه نوبت حنابندان نقش چشمگیری دارد. استفاده از این رنگ‌ها در آیین ازدواج می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله روابط منطقه‌ای و پیروی از آداب گذشتگان باشد، اما این پژوهش تنها به جنبه‌ی معنایی و نمادین رنگ در این آیین پرداخته است.

آنچه در این پژوهش مطالعه شده، نقش مفاهیم نمادین این دو رنگ در آیین ازدواج بومی هرمزگان، و جلوه‌ی بارز گوشه‌ای از فرهنگ و هنر بومیان این منطقه است. در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در زمینه‌ی طرح و فرم پوشاک و صنایع‌دستی هرمزگان صورت گرفته است؛ لیکن رنگ به عنوان یک عنصر مهم بصری در فرهنگ و هنر هرمزگان، آنچنان که باید و شاید به صورت دقیق بررسی نشده است. مطالعه‌ی رنگ در زندگی بومیان هرمزگان می‌تواند لایه‌ای نسبتاً پنهان از هویت و باور مردم این دیار را آشکار سازد و هموار کننده‌ی راه ورود به نقد و تحلیل‌های دقیق‌تر رنگ در دیگر آیین‌های هرمزگان، همچنین زیبایی‌شناسی رنگ‌های موجود در صنایع دستی و پوشش زنان هرمزگان باشد. غیر از منابع کتابخانه‌ای، بخشی از اطلاعات این پژوهش از طریق مشاهدات میدانی جمع‌آوری و به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی بررسی شده است. هدف اصلی این تحقیق، بررسی جایگاه دو رنگ سبز و قرمز در آیین ازدواج هرمزگان و مفاهیم نمادین آنهاست.

۲- چارچوب نظری

۱-۳- نماد

آنچه ما نمادش می‌نامیم، یک اصطلاح است؛ یک نام یا نمایه‌ای که افزون بر معانی قراردادی و آشکار روزمره‌ی خود، دارای معانی متناقضی نیز می‌تواند باشد. نماد شامل چیزی گنگ، ناشناخته یا پنهان از ماست... یک کلمه یا یک نمایه، هنگامی نمادین می‌شود که چیزی بیش از فهم آشکار و بدون واسطه‌ی خود داشته باشد. این کلمه یا نمایه، جنبه‌ی ناخودآگاه گسترده‌تری دارد که هرگز نه می‌تواند به گونه‌ای دقیق مشخص و نه به طور کامل توضیح داده شود (یونگ، ۱۳۹۲: ۱۶ و ۱۵). دو کلمه‌ای که بیش از بقیه، نابه‌جا به جای یکدیگر می‌نشینند، کلمات نماد و نشانه هستند؛ دلیل این اشتباه این است که نماد در وهله‌ی اول از همان قماش نشانه است و اغلب نشانه‌ها وسایلی مقتصدانه هستند برای بیان معنایی که یا حاضر است یا قابل واریسی؛ مثلاً علامت «» دال بر وجود چنین چیزی است، یا لغت، کلمه اختصاری و اشارات همه وسایلی مقتصدانه برای بیان تعریفی طولانی یا یک رشته معانی از همان سنخاند.

به گفته‌ی «لالاند»^۱: «نمادشناسی نشان‌های عینی است که به وسایل طبیعی (مأخوذ از سراسر طبیعت) چیزی غایب یا مشاهده‌ناپذیر را مجسم می‌کند. به نظر یونگ، نماد بهترین تصویر ممکن برای تجسم چیزی است که نسبتاً ناشناخته است و نمی‌توان آن را به شیوه‌ای روشن‌تر نشان داد. به موجب «گِده»^۲، نماد درست ضد مَثَل یا استعاره است. «استعاره یا مثل از اندیشه و مفهومی انتزاعی تصویر می‌سازد؛ یعنی بیان مصوّر اندیشه‌ای مجرد است و پایه و مبدأ حرکتش مفهومی مجرد، اما نماد (فی‌نفسه) خود تصویر است و من حیث تصویر، سرچشمه‌ی مفاهیم و اندیشه‌هاست. بدین‌گونه، قلمرو نماد سراسر دنیای نامحسوس است و چنان‌که می‌دانیم چیزهای تجسم‌ناپذیر و غیرقابل مشاهده؛ چون روح و نفس و قداست و جز آن موضوع ماوراء الطبیعه و هنر و دین و مذهب و سحر و جادوست که همه به زبان رمز، افاده‌ی معنی می‌کنند. پس، نماد تصویری است رساننده‌ی معنایی سرّی و رمزی.» (دلشو، ۱۳۶۴: ۸-۱۰). بدین ترتیب، نماد بسی بیش از یک علامت ساده است. نماد در ورای معنی جای می‌گیرد و تفسیری مختص به خود دارد که لازمه‌ی این تفسیر، دارا بودن نوعی قریحه است. نماد سرشار از تأثیرگذاری و پویایی است.

«کلود لوی استروس»^۳ با مطالعات مردم‌شناختی از وقایع فرهنگی، معتقد است تمامی فرهنگ را می‌توان چون مجموعه‌ای از قواعد نمادین به حساب آورد که در ردیف اول این قواعد، زبان، آیین‌های ازدواج، روابط اقتصادی، هنر، علم و مذهب جای می‌گیرد (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۳۳-۲۹). نماد زنده که از ناخودآگاه خلاق انسان و محیط او برمی‌خیزد، کاربردی کاملاً متناسب با زندگی فردی و اجتماعی دارد. می‌توان گفت که اولین کاربرد نماد، وظیفه‌ی انکشاف آن است. همان‌طور که روحیه‌ی جستجوگر وقتی با ناشناخته‌ها روبرو می‌شود، پژوهش می‌کند و می‌کوشد مفهوم حوادث معنوی افراد را که در طول زمان و مکان باب شده است، توضیح دهد؛ نماد هم در واقع، به شیوه‌ای خاص ارتباطی را درک می‌کند که عقل قادر به تشخیص آن نبوده؛ زیرا یک انتهای آن شناخته و انتهای دیگر ناشناخته است (همان: ۴۵-۴۴).

۲-۲- مفهوم نمادین رنگ

رنگ مانند عناصر و پدیده‌های دیگر به تناسب اهمیت فرهنگی - تاریخی و جنبه‌های جامعه‌شناختی و زیست‌محیطی، معنای مجازی و نمادین دارد. بیان نمادین، یعنی آدمی سمبل‌هایی از نوع حسی مثلاً بینایی، شنوایی، بویایی و لمسی را برای نمایش چیزهای دیگر به کار می‌گیرد؛ از جمله حالات و تجربیات عاطفی درون و افکار (فروم، ۱۳۶۶: ۲۴). بشر از زمان‌های دور برای رنگ‌ها، همچون فرم‌ها مفاهیم نمادین ساخته است؛ گرچه برخی از این مفاهیم کمابیش نزد اقوام و ملل مختلف

1. Andre Lalande
2. Gede
3. Claude Levi Strauss

مشترک است، هر قوم و ملت در زمینه‌ی مراسم مذهبی، عزاداری، عروسی و غیره رنگ ویژه‌ی خود را به کار می‌برد (محمودی و شکیبامنش، ۱۳۹۰: ۹). این تنوع مفهومی در موارد متعددی، تناقض و تقابل گسترده‌ای را به نمایش می‌گذارد؛ چراکه در فرهنگ‌های مختلف، رنگ‌ها کاربرد رمزی، اسطوره‌ای و کنایی خاصی دارند که در سایر فرهنگ‌ها و ملت‌ها موجود نیست، یا به شکل دیگری نمایان شده است (نوری، ۱۳۹۱: ۳۲). لذا از آنجا که نماد بیانگر معانی مختلف است و به یک معنا محصور نمی‌شود، رنگ مهم‌ترین عنصر برای نمادپردازی است. نماد رنگ، مکمل تجربه‌های انسان، بازتابی از تفکر مردم روزگاران و پل ارتباطی میان بخش هوشیار و ناهوشیار جهان ناشناخته، شناخته شده است (کارکیا، ۱۳۷۵: ۱۵).

از دیدگاه «شوالیه و گربران»، اولین خاصیت نمادین رنگ‌ها در فراگیری و جهان‌گستری آن است؛ نه فقط جهان‌گستری جغرافیایی بلکه در تمام سطوح موجودیت و شناخت؛ از جمله کیهان‌شناسی، روانشناسی، علم باطن و غیره. تفاسیر رنگ‌ها ممکن است تغییر کند؛ مثلاً سرخ ممکن است معانی مختلفی برحسب موقعیت فرهنگی محل پیدا کند. چنانچه در میان هندیان، سرخ، رنگ زندگی و تولد و تناسل است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۳۴۷-۳۴۴). در آفریقا، سرخ، رنگ خون و زندگی است. مادرهای جوان، رهروان جوان و مردان فرزانه در جشن‌های فصلی همگی آراسته به سرخ‌اند، پوشیده از نکولا^۱ و روغن معطر. رنگ سبز به ندرت تنهایی استفاده می‌شود. برگ‌های سبز زینت رهروان در مرحله‌ی پیروزی زندگی است. در فاس (مراکش)، رنگ سبز سعد است، نماد گیاهان و سبزی‌هاست. تحفه‌ای سبز به خصوص در صبح، اقبال می‌آورد. در مسیر ماه نو، سبزه می‌ریزند تا آن ماه سبز و متبرک باشد. سبزه‌ای که می‌روید به برکت آب است که سرچشمه‌ی زندگی است و باور بر آن است که سبز به دلیل انتقال نیروی زنده، بر مرگ تأثیر می‌گذارد. برای عرفا درجات مختلف رنگ‌ها نشانه‌ی ظهور و نور مطلق در خلسه و جذب است. بدین‌گونه است که در نزد مولانا جلال الدین رومی، از آبی، به سرخ و زرد با گذر از سفید، سبز و آبی آسمانی به نوری بی‌رنگ می‌رسیم. درجات دیگر رنگ از سفید (رنگ اسلام)، به زرد (رنگ ایمان)، به سرمه‌ای (رنگ کردار نیک)، به سبز (رنگ صلح)، به لاجوردی (رنگ ایقان الهامی)، به سرخ (رنگ معرفت) و به سیاه (رنگ وجود باری تعالی) می‌رسد. سیاه، رنگی که به طور خاص دربرگیرنده‌ی تمام رنگ‌هاست و در آن نمی‌توان رنگی دیگر را تمیز داد. برای مولانا نیز سرخ و سبز نشانه‌ی رحمت الهی است و پیام امید و رجا را به روح می‌رساند، حتی اگر روح در ظلمت باشد. سرخ از خورشید می‌آید و بهترین رنگ‌ها است (همان: ۳۵۵-۳۵۲).

۲-۲-۱- رنگ سبز

سبز در میانه‌ی آبی و زرد قرار دارد و ترکیبی است از این دو رنگ. با تغییر نسبت‌های زرد و آبی، کاراکتر سبز نیز تغییر می‌کند. سبز رنگ دنیای سبزیجات و حاصل جریان فتوسنتز در گیاهان است. وقتی زمین را روشنی فرا می‌گیرد و ذرات آب و هوا در فضا رها می‌شود، رنگ سبز به وجود می‌آید. سبز نشان‌دهنده‌ی ارضاء، آرامش و امیدواری است. رنگ سبز آمیزشی است از دانش و ایمان. وقتی رنگ سبز متمایل به زرد می‌شود، زرد سبز، احساس جوانی و نیروی بهاری را به وجود می‌آورد. چنانچه سبز به آبی متمایل شود حالت روحانیت آن افزایش می‌یابد (ایتن، ۱۳۸۶: ۲۲۰-۲۱۵).

رنگ سبز، رنگ روستا و درختان و چمنزار است و در میان رنگ‌ها آرام‌ترین رنگ به شمار می‌رود. از آنجا که سبز رنگ طبیعت در حاصل وقت آن است؛ بنابراین، رنگ تولید مثل و در نتیجه رنگ عشاق است. رنگ سبز اثر مفرح و آرام بخشی دارد؛ لذا آرام‌کننده‌ی عصبی بوده، در رفع خستگی مفید و مؤثر است و قدرت تحمل و صبوری را افزایش می‌دهد. بنابراین، در درمان بیماری‌های عصبی و اختلالات روانی توصیه شده است. چرایی سبزی معابد در مصر این بود تا هر کس واردش شود، بهشتی شود و این در حالی است که زندگی با کرامت، بعد از مرگ است. سبز رنگ خیرات و رنگ حق است؛ به همین سبب ساحرها در مصر بر روی زبان‌شان با مداد سبز علامت حق را رسم می‌کردند. گویی سبز در مصر برای سحر و دعا‌های سلامتی و جوان ماندن به کار می‌رفت. رنگ سبز از رنگ‌های شاد بانشاط و چشم‌نواز است، گاهی رنگ سبز، رنگ لباس اهل بهشت است که نمادی از عشق دائمی، امیدواری، سرسبزی، خیر، رشد و آرامش است. رنگ سبز هشت بار و در هفت سوره به کار رفته است (نوری، ۱۳۹۱: ۳۸-۳۷). همچنین نقل شده است که پیامبر (ص) در حال طواف حوله‌ی سبز بر دوش داشتند، یا روزهای جمعه و در دو عید (فطر و قربان) عمامه‌ی سرخ می‌بستند (موسوی فاطمی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۲-۵).

«داریوش به‌آدین»، در مقاله‌ای با عنوان «مراسم ازدواج زرتشتیان» در نشریه‌ی هنر و مردم سال ۱۳۴۸ می‌نویسد: در اغلب مواقع خانواده‌ی پسر نامه‌ای همراه خود می‌برند که در خصوص خواستگاری از طرف پسر به پدر دختر نوشته شده است. این نامه را بیشتر برای شگون روی کاغذ سبز رنگ می‌نویسند، در پاکتی سبز می‌گذارند و با یک دستمال سبز و یک کله قند همراه با مقداری سنجد و آویشن به منزل دختر می‌برند. چند روز بعد از نامزدی، اقوام دختر متقابلاً با دلاله روشن و شیرینی سفید (نقل) و کله قند سبزپوش، گل، پارچه، کراوات و هدایای دیگر به خانه‌ی پسر می‌روند و آنها را به خانواده پسر هدیه می‌کنند. سفره‌ی عقد، سفره‌ی سفید رنگی است که روی میز گسترده شده است. در روی آن کتاب اوستا، آئینه و شمعدان، یک سینی محتوی شیرینی سفید، گل، یک مجمر آتش در حالی که روی آن عود می‌سوزد، تخم‌مرغ، انار، فیچی، ریشه شرابه سبزرنگ (ریشه‌ای که اغلب دور کوسن می‌دوزند) و یک

سینی آجیل قرار دارد. رنگ سبز در بین زرتشتی‌ها میمون و مبارک بوده و به معنی خرمی و شادمانی است (به‌آذین، ۱۳۴۸: ۶۰-۵۸).

«علی نقی بهروزی» نیز در تکمیل مطالب «به‌آذین»، در شماره‌ی دیگری از همان نشریه به توصیف سبز در باور ایرانیان می‌پردازد. این عقیده که «رنگ سبز شگون دارد و علامت خوشبختی است»، عقیده‌ای قدیمی است که از عهد باستان، مردم ایران به آن پای‌بند بوده‌اند. این عقیده هنوز هم بین مردم دهات و روستاها باقی مانده و چقدر جای خوش‌وقتی است که علی رغم رسم زننده و شومی که این روزها مرسوم شده است و داماد شب عروسی لباس سیاه - که علامت سوگواری است - می‌پوشد، هنوز زرتشتیان و مردم اصیل روستاها به رنگ سبز و لباس سبز، طبق سنن ملی پای‌بند هستند. در فرهنگ‌ها، «سرسبز بودن» و «سبزبخت شدن» ضبط شده است. در تاریخ می‌خوانیم که ایرانی‌ها یک ماه پیش از جشن بزرگ نوروز، هفت ستون در خانه می‌ساختند و بر بالای آن، هفت نوع سبزی می‌رویاندند تا هنگام عید نوروز در خانه‌ی آنها سبزی که علامت خوشبختی است، موجود باشد. از جمله اشیایی که در سفره‌ی عید نوروز گذاشته می‌شد، سبزی بوده است.

«سرسبز بودن» و «سبزبخت بودن» در ادبیات هم وارد شده است:

«سرت سبز و دلت خوش باد جاوید که خوش نقشی نمودی از خط یار»^(۱)

همچنین: «زبان سرخ، سر سبز می‌دهد بر باد!»^(۲)

در قدیم، در تمام جشن‌ها لباس سبز می‌پوشیدند و اصولاً لباس اغلب دختران و پسران جوان سبز بود؛ زیرا آن را خوش‌یمن می‌دانستند و واقعاً زیبا و خوش‌منظر بود. در جشن ختنه‌سوران، بچه‌ای را که می‌خواستند ختنه کنند، قبای سبز می‌پوشانیدند و چهل بسم‌الله را چپ و راست به گردن او می‌آویختند، سپس او را بر اسبی که با پوششی از پارچه‌ی سبز مزین بود، سوار می‌کردند و در شهر می‌گردانیدند، آنگاه او را به مجلس ختنه‌سوران وارد می‌ساختند. شب عروسی، داماد و عروس هر دو لباس سبز می‌پوشیدند و تا ممکن بود پوشش‌ها و زینت‌اتاق‌ها را هم به رنگ سبز قرار می‌دادند؛ نه فقط عروس و داماد لباس سبز می‌پوشیدند که غالب دعوت‌شدگان جوان هم برای داشتن شگون، لباس سبز می‌پوشیدند و خوشبختانه هنوز این رسم پسندیده، کم و بیش در برخی از دهات و ایلات و روستاهای ایران مخصوصاً فارس رواج دارد. در سابق وقتی می‌خواستند در حق دختری دعا کنند، می‌گفتند: «الهی سبز بخت شوی»؛ این امر نیز بر اساس همین عقیده است. امروزه هم ثلث پرچم ایران سبز است و رمز خوشبختی ملت ایران به شمار می‌رود (بهروزی، ۱۳۴۹: ۵۲). فضای سبز، جانشین مادر است. زبان نمادها که هم زنده است و هم عرفانی، زبان سبز خوانده شده است. این زبان برای بستن درها نیست، بلکه برای باز کردن درها و اندیشیدن است. سبز خصوصیتی غریب و پیچیده دارد و از دو قطب خود، سبز شکوفه و سبز کپک، سبز زندگی و سبز مرگ را در برمی‌گیرد. سبز، تصویر ژرفا و قضا و قدر است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۵۲۹-۵۲۸).

۲-۲-۲- رنگ قرمز

قرمز (یکی از سه رنگ اصلی)، نه به آبی متمایل است نه از زردی نشانی دارد. به شدت می‌درخشد و به آسانی تاریک و خاموش نمی‌شود. رنگی است بسیار انعطاف‌پذیر که به حالات مختلفی در می‌آید. قرمز نارنجی، تاریک و متراکم است؛ حرارت و تابندگی آن حرارتی درونی و باطنی است. وقتی قرمز به قرمز نارنجی تبدیل می‌شود، نیرویی آتشین و ملتهب می‌یابد. قرمز نماد حیات و زندگی است و عامل مؤثری در سازندگی و تشدید رویش گیاهان بوده، بیان‌کننده هیجان شورش است. قرمز نارنجی، تابشی پرشور از عشق است و قرمز ارغوانی بر عشق روحانی دلالت می‌کند. در رنگ ارغوانی، قدرت روحانی و غیر روحانی (دنیوی) در کنار هم‌اند (ایتن، ۱۳۸۶: ۲۲۰-۲۱۶). سرخ به خاطر نیرو، قدرت و درخشش خود در سراسر جهان به عنوان نماد اصلی زندگی ملحوظ می‌شود. سرخ، این رنگ آتش و خون، همان دو وجهی‌گری نمادین آتش و خون را داراست و بدون شک مفهوم آن برحسب تیره یا روشن بودن رنگ ظاهری آن تفاوت می‌کند. رنگ سرخ روشن، درخشان، مرکز گریز، روزانه، مذکر، پرقوت، برانگیزاننده چون خورشیدی با قدرتی عظیم و افزاینده، اشعه‌ی خود را بر همه چیز می‌تاباند. سرخ تیره برعکس شبانه است. مؤنث، پنهانی، محدود و متمایل به مرکز، نه فقط نشانه‌ی بیان بلکه نشانه‌ی مرز زندگی است. یکی از این دو جلب می‌کند، جرأت می‌دهد، تحریک می‌کند. این همان سرخ پرچم‌ها، اعلام‌ها، آگهی‌ها و کاغذهای بسته‌بندی است. دیگری هشدار می‌دهد، باز می‌دارد، دعوت به احتیاط و حفظ حدود می‌کند و نگرانی می‌آورد. سرخ شبانه و متمایل به مرکز، رنگ آتش مرکزی انسان و زمین است. رنگ گلخن و کوره‌ی کیمیاگران است، جایی که با عمل سرخ عمل تحلیل، قوام، زایش و باز زایش انسان یا عمل کیمیایی انجام می‌شود.

نزد کیمیاگران غربی، چینی و اسلامی، سرخ معنایی مساوی دارد و کبریت احمر اعراب که نشانه‌ی انسان جهانی است، منتهی‌المرتب سرخ و لقاح کوره است. برنج سرخ در پیمانه‌ی چینیان نیز از همین قبیل است. سرخ شدن برنج از آتش - یا خون - در تنور است و وابسته است به شنگرف. در تنور، به ترتیبی کیمیایی استحاله می‌یابد تا نماد جاودانگی شود. زیر سبزی زمین و سیاهی لجن، سرخ تیره قرار گرفته است. این سرخ به نهایت مقدس و رازآمیز، رمز هستی پنهان در قعر سیاه‌ها و اقیانوس‌های اولیه است. این سرخ، رنگ روح است، رنگ لییدی^۱ است، رنگ دل است. در سراسر خاور دور، سرخ، رنگ آتش، جنوب و گاه رنگ خشکسالی است. همچنین رنگ خون، رنگ زندگی، رنگ زیبایی و ثروت است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۵۷۳-۵۶۶). رنگ قرمز سمبل تولد، جوانی، بهار و خورشیدی است که از شرق طلوع می‌کند. کاتولیک‌های رومی نیز رنگ‌های سمبلیکی را برای طبقات روحانی به کار برده‌اند؛ مانند قرمز ارغوانی که برای رنگ‌آمیزی (کاردینال) و سفید که برای لباس پاپ انتخاب شده است (ایتن، ۱۳۸۴: ۵۹-۵۸).

۲-۳- آیین

فرهنگ دهخدا آیین را این گونه تعریف می کند: سیرت، رسم، عرف، طبع، عادت، روش، دیدن، خلق، خصلت، خو، خوی و منش (دهخدا، ۱۳۲۵: ۲۳۱). «پاشایی» نیز آیین را به دو شکل معنا می کند: ۱- همه‌ی اعمال صوری که در اصل نمادی‌اند؛ ۲- به معنایی محدودتر، اعمال نمادی وابسته به دین (پاشایی، ۱۳۶۹: ۴۱). واژه‌ی آیین ابتدا به معنای آداب و رسوم بود و بعدها به طور اخص به معنای رسوم دینی یا جادوگرانه به کار گرفته شد؛ از این رو می توان گفت رفتارهای آیینی، نوعی خاص از رفتار هستند که توسط جامعه پذیرفته شده‌اند و به گونه‌ای، ارتباط افراد آن جامعه را با پدیده‌های فرامادی یا ماوراءالطبیعه برقرار می کنند (انصاری نسب، ۱۳۹۲: ۵۸). سرچشمه و منشأ تمامی سنت‌ها و نمادپردازی با رنگ، همچنین خیلی از رفتارهای فرهنگی ما در اسطوره‌ها و آیین‌های بسیار کهن ریشه دارد که به هزاران سال پیش و آغاز سخن گفتن نیاکان ما باز می گردد و این اعتقادات و باورها با دگردیسی و تغییر هویت در طول زمان، اشکال کم رنگ شده و تباهی گرفته‌ی همان آیین و اسطوره‌های پیشین است^۱ ... به لحاظ نظری از زمانی که انسان شروع به سخن گفتن می کند، شناخت غریزی او به شناخت معرفت‌شناسی از هستی تغییر می یابد. شناخت معرفت‌شناسی دارای کیفیت و ساز و کار پیچیده‌ای است. در تفسیر معرفت‌شناسی پیام‌های عصبی دو عامل نقش و دخالت دارند؛ نخست عامل «نشانه‌ای» و دیگر عامل «نمادین» که با هم متفاوت می باشند. ذهن انسان اندیشه‌ورز، نمادپرداز است و می تواند از میان دال و مدلول (نشانه) فراتر رفته و با نسبت ویژه‌ای - نسبت شباهت - که بین چیزها و رویدادها برقرار می شود، نمادپردازی کند. آیین، تفسیر معرفت شناختی واقعیت از چشم انداز خرد غریزی است، نه تفسیر هستی شناختی آن. در مرحله‌ی آیین که به لحاظ تکوینی، مرحله‌ی متکامل تری از کارکرد ذهن انسان پیشین است، جهت اصلی به سمت واقعیت بیرونی است. این تفسیر به لحاظ شکلی در قالب حرکات آیینی یا جادو بیان می شود. در آیین، نسبت بین اجزاء نسبتی نمادین است و بر اصل «تشابه» مبتنی است. ویژگی دیگر آیین تقلید مبتنی بر «شباهت» و از این طریق اعمال قدرت بر طبیعت است. در آیین نمادها رفته رفته به صورت نمادهای جمعی در می آیند (نقوی، ۱۳۹۲: ۶ و ۵).

۳- آیین ازدواج در هرمزگان

آیین ازدواج و شروع زندگی مشترک، در همه‌ی فرهنگ‌ها ویژگی‌های خاص خود را دارد و در نزد اقوام سراسر ایران با تفاوت‌هایی اندک و شباهت‌هایی بسیار برگزار می شود. به زعم نگارنده یکی از ویژگی‌های بارز آیین ازدواج در هرمزگان - که در این سال‌ها دستخوش تغییرات فراوانی گشته و به تدریج از شکل سنتی خود خارج شده است - حضور چشمگیر رنگ‌های گوناگون به خصوص رنگ سبز و قرمز در مراحل

1. Libido

مختلف این آیین مقدس است. در این پژوهش، چند مرحله‌ی مهم از آیین ازدواج در استان هرمزگان به طور اجمالی معرفی شده است.

۳-۱- دعوت به عروسی

در گذشته به سبب فقدان امکانات پیشرفته‌ی ارتباطی و نبود تلفن، این مراسم برای دعوت دوستان و آشنایان به جشن عروسی صورت می‌گرفت. هنوز هم مراسم دعوت به عروسی به شکلی نمادین در برخی از مناطق هرمزگان انجام می‌شود؛ به عنوان مثال، در بین خانواده‌های سنتی بندرلنگه مرسوم است که چند روز مانده به عروسی دو یا سه زن که لباس محلی به رنگ سبز، سرخ یا نارنجی پوشیده‌اند و خود را آراسته کرده و عطر زده‌اند، در حالی که کاسه‌ی چینی حاوی نقل، نبات، شکلات، میخک و هل - که به نخ هفت رنگ کشیده شده است - در دست دارند، برای دعوت به درب منزل تک تک آشنایان می‌روند و به آنان از محتویات داخل کاسه تعارف می‌کنند. به این مراسم در اصطلاح محلی «زن گردون» می‌گویند (دژگانی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). یا در سیریک^(۴) از یکی دو روز قبل زنان محل، توسط خانواده‌ی عروس و داماد به تمام خانه‌های منطقه و روستاهای اطراف می‌روند. آنها معمولاً پارچه‌ی سبز رنگ به سر می‌بندند. این گروه «لوتوک» نام دارند و باید از دخترهای جوان شوهر کرده باشند. آنها لباس زیبا می‌پوشند و مردم را به عروسی دعوت می‌کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۳). این رسم در دیگر مناطق هرمزگان نیز مرسوم بوده است.

۳-۲- حنابندان

حنابندان یکی از مراحل مهم آیین ازدواج در هرمزگان است که رنگ‌ها در آن نقش مهمی دارند. در بندرعباس و اطراف آن، لباس عروس در شب اول حنابندان سبز رنگ و در شب دوم قرمز رنگ است (حسینی و دیگران، ۱۳۷۴: ۲۵۱). بالشت، زیرانداز، پرده و تور عروس همگی به رنگ سبز و طلایی است. عرب‌های بحرین ساکن بندرلنگه، با نقاب قرمز رنگ چهره‌ی عروس را می‌پوشانند تا هیچ کس چهره‌ی او را نبیند. زن مشاطه یا یکی از زنان فامیل که در حنا بستن مهارت دارد، آب حنا را می‌گیرد، حنا را درون کیسه‌ی نایلونی می‌ریزد، کیسه را به صورت قیف نوک تیز درمی‌آورد و با آن نقوش بسیار زیبایی از گل و بوته روی دست، بازو، آرنج، کف دست، انگشتان و مچ پای عروس رسم می‌کند. [حنای دست و پای داماد باید ساده باشد، ولی حنای عروس دارای نقش و تزئینی خاص است]. گاه عروس لنگه‌ای از کلاه سبز یا قرمزی که حاشیه‌ی آن زنجیر طلا باشد، بر سر می‌گذارد. مراسم عروسی در کلیه‌ی نقاط هرمزگان طی سه شبانه روز اجرا می‌شود که دو شب آن مربوط به مراسم حنابندان است. در شهر بندرلنگه داماد را روی تختی که به آن «کله» می‌گویند، می‌نشانند و روی تخت، بالشت، زیرانداز و ملحفه‌ی سبز رنگی که به آن «لفالیف» می‌گویند، قرار می‌دهند (همان: ۵۴۵-۵۴۲). در شهرستان قشم، عروس در روزهای مراسم، هر شب لباس رنگی مخصوصی بر تن می‌کند. معمولاً در شب حنابندان، تمام لباس‌های عروس از سر تا

پا و کفش‌ها به رنگ سبز است و چادر حریر سبز بر سر می‌گذارد. در روز عروسی نیز لباس قرمز بر تن می‌کند. در قشم، پوشیدن رنگ زرد را در روزهای عروسی برای عروس خوش‌یمن نمی‌دانند و معتقدند عروس اگر در جریان روزهای عروسی از رنگ زرد استفاده کند، بیمار می‌شود (فلسفی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۳۵).

۳-۳- حَمَام

عصر روز آخر عروسی، داماد را با تشریفات خاص به حَمَام می‌برند. در قدیم داماد را سوار بر اسب، شتر یا پیاده به حَمَام می‌بردند، پیشاپیش او خوانچه‌ی محتوی لباس نو و نقل و نبات در میان جمعیت حرکت داده می‌شد و نوازندگان محلی می‌نواختند. پس از حَمَام لباسی نو بر داماد می‌پوشانند، کلاه بر سر او می‌گذارند و پارچه‌ای از حریر سبز بر سر او می‌اندازند و با همان تشریفات به یکی از زیارتگاه‌های شهر می‌برند (سایبانی، ۱۳۷۷: ۱۹۷). هنوز هم برپایی این آیین در بعضی از محله‌های بندرعباس و دیگر مناطق هرمزگان معمول است. در سیریک روز عروسی بعد از صرف نهار آخر مراسم، مراسم «سَر تراشون» یا اصلاح داماد شروع می‌شود. این مراسم در یک محوطه‌ی باز و در زیر یک پارچه‌ی سبز رنگ بزرگ که یک گوشه آن را زنان و گوشه‌ای دیگر را مردان گرفته‌اند، همراه با خواندن شعرهای محلی و اصلاح موی داماد توسط یک آرایشگر و چند مرد دیگر انجام می‌گیرد. (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۴۶). در آیین حَمَام، مهمانان عروسی برای رفتن به زیارتگاه با پای پیاده عروس یا داماد را همراهی می‌کنند؛ البته در صورت نزدیک بودن زیارتگاه، داماد را سوار بر اسب یا شتر تزئین شده قرار می‌دهند، پارچه‌ی سبزی بر سرش می‌افکنند و به طرف زیارتگاه حرکت می‌کنند. در طی حرکت، دو خواهر داماد لباس‌های او را که در چمدانی سبز رنگ است بر سر قرار می‌دهند و هر دو پای او را با دست می‌گیرند (دژگانی، ۱۳۹۳: ۹۳). مراسم حمام بردن عروس هم در دو نوبت صورت می‌گیرد که این مراسم در منزل اجرا می‌شود. پس از خواندن اشعار و دست زدن، عروس را از حمام بیرون می‌آورند و لباسی سبز رنگ بر او می‌پوشانند. صبح روز عروسی عده‌ای از زنان، عروس را به حمام می‌برند و هنگام درآمدن او از حمام، ترانه‌هایی را با صدای بلند می‌خوانند. اسفند و عود دود می‌کنند و مولودی می‌خوانند. عروس پس از بیرون آمدن از حمام، لباس قرمز رنگی می‌پوشد (حسنی و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۴۹).

۳-۴- ساخت

خوانچه یا سینی محتوی لباس عروس و نقل و نبات و عود و مُشک و غیره را، اصطلاحاً «ساخت» می‌نامند. عصر شبی که عروسی به صورت رسمی شروع می‌شود، عده‌ای از زنان فامیل و دوستان داماد در خانه‌ی او جمع می‌شوند، خوانچه یا سینی محتوی وسایل مذکور را در حالی که با پارچه‌ی سبز رنگی پوشانده‌اند، دسته‌جمعی به خانه‌ی عروس می‌برند. (معمولاً در هنگام انتقال ساخت به خانه‌ی عروس، نوازندگان محلی نیز شرکت دارند.) در همان حال در خانه‌ی عروس نیز عده‌ای از خویشاوندان و نزدیکان او

جمع می‌شوند و منتظر ورود ساخت می‌مانند (سایبانی، ۱۳۷۷: ۱۹۵).

۳-۵- عقد و عروسی

در شهرستان قشم، بعد از آرایش کردن عروس توسط مشاطه او را به حجله می‌برند و کسی حق ندارد دستمال سبز رنگی را که بر صورت او انداخته شده است، بردارد. تا هنگام شب که داماد آن را در حجله برمی‌دارد. در محل نشستن عروس و داماد نیز تشکچه‌ای رنگی بلند و دو پشتی سبز قرار می‌دهند (دژگانی، ۱۳۹۳: ۹۸-۹۷).

در بندر لنگه، سفره‌ی عقد شامل پارچه‌ی ساتن سبزرنگ با حاشیه‌های طلایی، جانماز سبز، آینه و شمعدان، قرآن، آب، شاخه نبات، شیرینی، گل محمدی و سرویس عقد است که بر روی سفره قرار می‌دهند. اطلاق را با گل و کاغذ رنگی آراسته و اسفند دود می‌کنند. در این مراسم، عروس لباس بندری سبز رنگی می‌پوشد که با پولک و گلابتون تزئین شده است. به هنگام خواندن خطبه‌ی عقد، عروس و داماد در کنار هم می‌نشینند و دو زن خوشبخت در حالی که پارچه‌ی مستطیل سبز رنگی بر سر عروس و داماد نگاه داشته‌اند، قند می‌سایند (حسنی و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۳۸). در هنگام ورود به حجله، عروس پای خود را در درون تشک سبز رنگی که پیش از این آماده شده و حاوی آب هفت چشمه و برگ سبز هفت درخت است، قرار می‌دهد. این آب را در شب عروسی دور حجله می‌ریزند تا برای ایشان آرزوی خوشبختی کنند و آنها را از سحر و جادوی بدخواهان در امان دارند. برای آنکه خیالشان از این جهت راحت تر باشد، یک قفل باز - که آن را به رنگ سبز در آورده‌اند - را در اختیار عروس قرار می‌دانند تا لحظه‌ای که خطبه عقد تمام شد، همزمان با بله گفتن آن را قفل کند و زندگی خود را از شر بدخواهان محفوظ دارد. این قفل باید تا شب زفاف توسط عروس باز شود (مهرابی، ۱۳۸۸: ۱۶). [در پارسیان قدیم^(۵) عروس را هفت شبانه روز می‌نشانند و دست و پاهایش را حنا می‌گذاشتند. در مدت این شش روز عروس هر لباس دلخواهی که می‌خواست، می‌پوشید؛ اما در روز آخر لباس و چادری سبز رنگ با روبندی سرخ می‌پوشید (کریمی، ۱۳۹۰: ۳۳۹). در شمال استان هرمزگان، داماد شالی سبزرنگ بر کمر می‌بست و کارد یا خنجر در درون این کمر بند قرار می‌گرفت (باوقار زعیمی، ۱۳۸۸: ۵۱). این رسم در بعضی مناطق استان همچنان مرسوم است؛ همان گونه که در قشم داماد کارد نقره‌ای را که در پارچه‌ای سبز پیچیده شده است، بر کمر و قرآن را بر سینه‌ی خود می‌بندد و در شب زفاف خواهر داماد به هنگام ورود به حجله آنها را از کمر و سینه‌ی داماد باز می‌کند (دژگانی، ۱۳۹۳: ۹۳). بستن پارچه‌ی سبز بر کمر داماد، در میناب نیز مرسوم بوده است^(۶).

به نقل از «محمد ذاکری»، در گذشته در میان بومیان استان هرمزگان پوشیدن لباس سفید برای عروس مرسوم نبود؛ زیرا معتقد بودند این لباس شبیه به کفن است و آن را بدشگون می‌دانستند. «فاطمه سایبانی» این مطلب را تأیید و نقل می‌کند که: رنگ لباس عروس در فین هرمزگان همواره سبز یا قرمز بوده و هیچ گاه شلوار و پیراهن همرنگ نبوده است. اگر لباس عروس سبز بود؛ شلواری به رنگ قرمز، زرد،

بنفش یا رنگ‌های شاد و متنوع دیگری همراه با جلیبل خوسی و چپرهای رنگارنگ بر تن او می‌پوشاندند. همچنین مشاهدات نگارنده حاکی از این است که در میان بومیان هرمزگان رنگ سبز مورد استفاده در هنگام عقد، زنده و خالص است و سبز روشن و ملایم، یا سبز خیلی تیره در آیین ازدواج جایگاهی ندارد.

۴- معنای نمادین رنگ‌های سبز و قرمز و همراهی آنها در آیین ازدواج هرمزگان

در تمامی مناطق بررسی شده در هرمزگان، لباس عروس در یک مرحله از سه نوبت حنابندان سبزرنگ است. در گذشته، رنگ لباس عروس حتی در شب عروسی نیز سبز بوده اما امروزه عمدتاً سفید است. در آیین سنتی عقد در هرمزگان، لباس عروس و تمامی ملزوماتی که مربوط به سفره‌ی عقد است سبز رنگ می‌باشد؛ مانند تور قند ساییدن، پُشتی، تشکچه‌ی عروس و غیره. در باور بومیان هرمزگان لباس عروس حتماً باید سبز باشد تا عروس سبز بخت شود. مشابه این آداب را در آیین ازدواج زرتشتیان - که قبلاً به آن اشاره شد - مشاهده می‌کنیم.

«کوپر»^۱ معتقد است: سبز، رنگ ونوس و مرکوری^(۲)، جفت عاشق است و به معنی بهار، تولید مثل، شادی، اعتماد، طبیعت، بهشت، فراوانی، کامیابی و صلح به کار می‌رود (کوپر، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

در مراسم ساخت - که همان آیین انتقال هدایای داماد به خانه‌ی عروس است - سبز، رنگ پارچه‌ای است که روی چمدان و خوانچه‌ها می‌اندازند و با رقص و آواز به خانه‌ی عروس می‌برند. سبز نماد گیاهان و سبزی‌هاست. تحفه‌ای سبز به خصوص در صبح، اقبال می‌آورد. در مسیر ماه نو سبزه می‌ریزند تا آن ماه سبز و متبرک باشد. سبزه‌ای که می‌روید به برکت آب است که سرچشمه زندگی است و باور بر آن است که سبز به دلیل انتقال نیروی زنده، بر مرگ تأثیر می‌گذارد (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸: ۳۵۲).

در آیین «زن گردون»، رنگ سبزی که زنان بومی سیریک در مراسم دعوت به عروسی به سر می‌بندند؛ می‌تواند مفهوم نمادین مشترکی داشته باشد. سبز ارزش میانگین دارد. اطمینان بخش، تازه کننده و انسانی است. پس از زمستان که با برهنه ساختن و منجمد کردن زمین، آدمی را مغلوب تنهایی و ناپایداری‌اش می‌کند؛ بهار فرا می‌رسد و روپوش سبز و تازه‌ای بر تن زمین می‌پوشاند، امید می‌آورد و دوباره دایه‌ی آدمی می‌شود (همان: ۵۱۷). رنگ سبز که در آیین عقد و ازدواج هرمزگان غالب است، می‌تواند به طور مستقیم مفاهیم نمادین متفاوتی را به ذهن متبادر سازد. رنگ سبز، رنگ روستا و رنگ درختان و چمنزار است، در میان رنگ‌ها آرام‌ترین رنگ است و از آنجا که سبز، رنگ طبیعت در حاصل وقت آن است؛ بنابراین، رنگ تولید مثل و در نتیجه رنگ عشاق است (نوری، ۱۳۹۱: ۳۷). همچنین معنای مذهبی رنگ سبز و تقدس آن نیز می‌تواند سبب علاقه‌مندی بومیان هرمزگان به این رنگ باشد. قرآن کریم، رنگ

سبز را رنگ لباس بهشتیان معرفی می‌کند و در آیه‌ی ۳۱ سوره کهف می‌فرماید: «و در آن بهشت‌ها زینت و آرایش می‌شوند از طوق‌ها و گردنبندهای طلا و جامه‌های سبز (که بهترین رنگ‌هاست) از حریر». همچنین در آیه‌ی ۷۶ سوره الرحمن، به رنگ تخت بهشتیان اشاره شده و چنین آمده است: «بهشتیان بر بالش سبزرنگ و بر بساط و فرش بسیار نیکو تکیه زندگانشانند». بر اساس این آیات، می‌توان دریافت که رنگ سبز به عنوان بهترین رنگ‌ها برای لباس معرفی شده و به همین دلیل رنگ لباس بهشتیان نیز سبز است.

در یکی از نوبت‌های عروسی سنتی در هرمزگان، عروس قطعاً یک شب لباس قرمز رنگ می‌پوشد و این شب معمولاً شب حنابندان است. در شب حنابندان، تمام پوشش عروس از پیراهن و شلوار و جلبیل^۱ (شال یا روسری سنتی زنان هرمزگان) تا پاپوش یا کفش او، حتی پُشتی و تشکچه و تزئینات سینی حنا به رنگ سرخ است. استفاده از رنگ سرخ می‌تواند نماد عشق و شور زندگی باشد. «لوشر»^۲ معتقد است: قرمز بیانگر شرایط جسمانی بکار بردن انرژی است؛ نبض را سریع می‌کند، فشار خون را بالا می‌برد و تنفس را بیشتر می‌کند. قرمز بیانگر نیروی حیاتی، فعالیت عصبی و غددی است و لذا معنای آرزو و تمام شکل‌های میل و اشتیاق را دارد. قرمز یعنی لزوم بدست آوردن نتایج مورد نظر و کسب کامیابی. این رنگ بیانگر آرزوی شدید برای تمام چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را در پوشش خود دارند (لوشر، ۱۳۸۸: ۸۶). قرمز نماد حیات و زندگی است و عامل مؤثری در سازندگی و تشدید رویش گیاهان بوده، بیان‌کننده‌ی هیجان شورش است. قرمز نارنجی تابشی پرشور از عشق است و قرمز ارغوانی بر عشق روحانی دلالت می‌کند. در رنگ ارغوانی، قدرت روحانی و غیر روحانی (دنیوی) در کنار هم‌اند (ایتن، ۱۳۸۶: ۲۱۶). فرهنگ استفاده از رنگ قرمز، در بین زنان جوان کشورهای آسیای شرقی نیز مشاهده می‌شود؛ در ژاپن، رنگ سرخ را فقط بانوان می‌پوشند. سرخ نماد صمیمیت و خوشبختی است. بر طبق برخی مکاتب شینتویی، سرخ نشانه‌ی هماهنگی و گستردگی است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۵۷۳). رنگ قرمز از نظر چینی‌ها نماد زندگی و سرور است. هندوها نیز رنگ قرمز را در جشن‌های ازدواج به کار می‌بردند. در چین دختری که قرار است ازدواج کند، لباس قرمز بر تن می‌کند؛ زیرا برای چینی‌ها سرخی، نماد زندگی تازه و آینده‌ای خوب و شاد است (نوری، ۱۳۹۱: ۴۸). «در میان هندیان، سرخ، رنگ زندگی و تولد و تناسل است.» (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۳۴۶).

مراسم حنابندان در تمام مناطق استان هرمزگان بسیار مهم و ارزشمند به شمار می‌آید؛ چرا که در سه نوبت برای عروس و داماد اجرا می‌شود. حتی در هرمزگان قدیم، قبل از مراسم ختنه کردن، دست و پای پسر را حنا می‌بستند. حنا بستن گذشته از خنکی گیاه حنا و فواید آن، همان «سرخ نمودن» و رنگین کردن دست و پا

1. Jelbil

2. Max Luscher

است که در هرمزگان به مناسبت جشن و سرور، از مراسم رسمی حنابندان و عقد و عروسی گرفته تا جشن ختنه سوران یا هر اعیاد دیگری مرسوم است و حتی برای بچه‌ها به کار می‌رود. نقش نمادین قرمز در این آیین‌ها، عشق، زندگی و شادی و نشاط ناشی از آن است. از دیدگاه «کوپر»، قرمز اوج رنگ‌ها، مظهر خورشید و همیه ایزدان جنگ است؛ قرمز اصل مذکر، فعال، آتش خورشید، سلطنت، عشق، لذت، جشن و سرور، رنج، شوق، انرژی، درنده خویی، تهییج جنسی، مشعل یا آتش عروسی، سلامتی، قدرت، خون، شهوت خونریزی، گناه خونین، خشم، انتقام، شهادت، بردباری، ایمان، عزت نفس؛ رنگ برهوت و بدبختی نیز هست. زدن رنگ قرمز یا گذاشتن لک قرمز نشان تجدید حیات است (کوپر، ۱۳۸۶: ۱۷۴ و ۱۷۳). «دوبوکور» نقش نمادین رنگ قرمز را این گونه بیان می‌کند: قرمز اساسی‌ترین رنگ‌هاست و با شور و حدت حیات، یعنی نیرو و قدرت پیوستگی دارد. درخشش رنگ قرمز موجب شده است که آن رنگ، نماد جهانی اصل و مبدأ زندگی باشد. گیرایی و کشش رنگ قرمز و شیفتگی آن، ناشی از دوسویی و دوپهلویی رنگ قرمز است. قرمز روشن، نماد شور و حدت و تکانش، و گرم کننده و کشاننده و برانگیزنده است، چنانکه رنگ قرمز پرچم و درفش، همچون آهنگ نظامی، جنگجویان را برمی‌انگیزد؛ و رنگ قرمز علامات نورانی تبلیغاتی، توجه انبوه خلق را به خود می‌کشد (دوبوکور، ۱۳۸۶: ۱۲۴). از نظر معنوی و روحی، قرمز نیروی اراده و شجاعت را تقویت و بر ضعف قلب و بی‌ایمانی غلبه می‌کند (نوری، ۱۳۹۱: ۴۹).

حنا بستن بر دست و پا به هنگام جشن و شادی، همان رنگین کردن دست و پا است که در فرهنگ‌های دیگر نیز با شکل و شمایلی متفاوت دیده می‌شود. سرخ روشن، روزانه، خورشیدی گریزنده از مرکز، برانگیزاننده‌ی عمل کیمیایی است؛ سرخ روشن نماد تندی و تیزی، زیبایی، قدرت مولد حرکت، بخشنده‌ی، جوانی، سلامتی و غیره است. رنگ سرخ روشن، اغلب با روغن گیاهی رقیق می‌شود که این روغن بر قدرت حیاتبخش آن می‌افزاید. در آفریقای سیاه، زنان و دختران جوان این مخلوط سرخ روشن را بر بدن و صورتشان می‌مالند تا تحریمی که از اولین حیضشان ناشی بوده است، پس از نکاح یا پس از تولد اولین کودک برداشته شود. همچنین با رنگ سرخ رقیق شده با روغن، پسران و دختران جوان سرخپوست آمریکا خود را می‌آرایند. آنان اعتقاد دارند که این رنگ محرک قواست و هوس‌ها را بیدار می‌کند. به علاوه این رنگ خاصیتی پزشکی دارد و برای ساختن دارو و اکسیر ضروری است. بر مبنای همین مفهوم است که در سنت‌های بی‌شماری از روسیه گرفته تا چین و ژاپن، رنگ سرخ با تمام اعیاد مردمی به خصوص اعیاد بهاری و جشن‌های ازدواج مرتبط است و اغلب درباره‌ی یک پسر یا یک دختر گفته می‌شود که سرخ است؛ بدین معنا که زیبا است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۸: ۵۷۰). این رنگ سبب می‌شود، برای پیمودن راه پیش رو به طریقه‌ای آشکار خود را پر انرژی‌تر و هدف‌دارتر و آماده‌تر حس کنیم. پوشیدن لباس به رنگ قرمز ممکن است نشان دهد که مایل هستیم فردی مشتاق، دارای احساساتی قوی، نیرومند و پر انرژی جلوه کنیم. افراد علاقمند به زد و خورد و هیجان،

مایلند لباس‌هایی به این رنگ بر تن کنند. پوشیدن لباس‌های قرمز رنگ، همچنین می‌تواند نشانه‌ی قدرت جنسی قوی باشد (سان، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

در مراسم عروسی بومیان هرمزگان و مراحل مختلف حبابندان و عقد و عروسی، لباس عروس یک شب سبز و یک شب دیگر قرمز است. می‌دانیم که سبز و قرمز دو رنگ مکمل هستند و در چرخه‌ی رنگ روبروی هم قرار می‌گیرند. اصل مکمل بودن، یکی از اصول اساسی فلسفه‌ای به نام تائوئیسم^۱ محسوب می‌شود که از قدرت چند هزار ساله برخوردار است. این اصل، برای تفسیر مراحل مختلف طبیعت به کار می‌رفته و در ستاره‌شناسی و طب چینی نقشی حیاتی ایفا می‌کرده است. اساساً، چینی‌ها بر این اعتقادند که زندگی متشکل از دو نیرو است؛ دو نیرویی که گرچه باهم در تضادند، مخالف یکدیگر عمل نمی‌کنند. این نیروها را «یین»^۲ و «یانگ»^۳ نام نهاده‌اند. یین با ویژگی‌های زنانه و یانگ با خصوصیات مردانه در نظر گرفته می‌شود. یین با وسعت، یانگ با تنگی؛ یین با شب، یانگ با روز؛ یین با سرما، یانگ با گرما و غیره پیوستگی دارند. هر دوی این نیروها، حرکتی دورانی دارند و به سبب فراز و فرودهای مداوم نیروهای زندگی در این جهان، چه به تنهایی و چه مرتبط با هم در حال تفسیر و تحولی دائمی هستند. فیروزه‌ای (سبز)، موجب متعادل شدن قرمز می‌گردد؛ بدون آنکه بر این رنگ غلبه یا از آن تبعیتی داشته باشد. زمانی که دو رنگ مکمل با غلظتی مساوی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، قوی‌ترین تضاد رنگی ممکن را پدید می‌آورند؛ بسته به غلظت آنها این وضعیت می‌تواند تأثیری ملایم یا مهیج بر جای گذارد و افراد مختلف، عکس‌العمل‌های گوناگونی، از مجذوب شدگی قوی تا بیزاری شدید از خود بروز می‌دهند. رنگ‌های مکمل، تأثیری کمال بخش بر جای می‌گذارند؛ چرا که با هم ترکیب می‌شوند و انرژی متعادل در اختیار قرار می‌دهند (سان، ۱۳۷۸: ۵۳-۵۶). شروع صعود زندگی با سرخ است و در سبز شکوفه می‌کند. سرخ، رنگ مذکر و سبز، رنگ مؤنث است. یین و یانگ، یکی مذکر، متحرک، مرکز‌گریز و سرخ؛ دیگری مؤنث، منعکس‌شونده، مرکز‌گرا و سبز هستند و تعادل این دو موجب تعادل انسان و طبیعت می‌شود (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۵۲۸).

همچنین «لوشر» در روانشناسی رنگ‌ها، رنگ سبز و قرمز را این گونه با هم مقایسه می‌کند: سبز موجب نرمش‌پذیری اراده می‌شود. این نرمش‌پذیری به شخص امکان می‌دهد تا در برابر مشکلات ایستادگی کند؛ زیرا از طریق این ایستادگی است که شخص می‌تواند کاری را به انجام رساند و بدین سان موجب احترام بیشتر برای خود شود. قرمز نیروی اراده را به وجود می‌آورد که این نیرو خواهان عمل و کارایی است و این امر به نوبه‌ی خود موجب خشنودی خاطر می‌گردد؛ زیرا فعالیت مناسبی را انجام داده است. قرمز، یعنی محرک اراده برای پیروزی و تمام شکل‌های

1. Taoism

2. yin

3. yang

شور زندگی و قدرت؛ از تمایلات جنسی گرفته تا تحوّل انقلابی. انگیزه‌ای است برای فعالیت شدید، ورزش، پیکار، رقابت، شهوت جنسی و بارآوری تهورآمیز. قرمز، یعنی «تأثیر اراده» یا «قدرت اراده» در حالی که رنگ سبز مظهر «انعطاف‌پذیری اراده» می‌باشد (لوشر، ۱۳۸۸: ۸۷-۶۸).

با این اوصاف به نظر می‌رسد انعطاف سبز و قدرت قرمز مکمل‌های خوبی برای هر آغازی از جمله آغاز زندگی مشترک باشند و این را به خوبی در آیین ازدواج بومیان هرمزگان می‌توان مشاهده کرد. از منظر دیگر رنگ سبز مربوط به چاکرای^(۸) قلب و قرمز مرتبط با چاکرای پایه؛ یعنی مرکز غدد جنسی و انرژی حیات بخش زندگی است (سان، ۱۳۷۸: ۱۳۱). در مراسم حنابندان بر دست و پای عروس سبزپوش، رنگ قرمز حنا نقش می‌بندد. سبز، رنگ آب است همان گونه که سرخ رنگ آتش است و این گونه است که انسان همواره به طور غریزی ارتباط این دو رنگ (سبز و قرمز) را مشابه چیزی از جوهر و هستی خود دانسته است. سبز رنگ امید، نیرو و عمر طولانی و در ضمن مرتبط با عکس آن، یعنی ترشیدگی است! سبز رنگ جاودانگی است. از اینجاست که در سراسر جهان شاخه‌های سبز نماد جاودانگی هستند (شوالیه و گربران، ۱۳۸۸: ۵۱۷).

نتیجه‌گیری

آیین ازدواج و شروع زندگی مشترک در استان هرمزگان اگرچه این سال‌ها دستخوش تغییرات فراوانی گشته است، همچنان ویژگی‌های خاص خود را دارد و یکی از بارزترین آنها حضور چشمگیر رنگ‌های گوناگون به خصوص سبز و قرمز در مراحل مختلف این آیین مقدس است. رنگ‌ها گاهی به طور مستقیم بیانگر هویت یک قوم‌اند و با زبان نمادین معنای خود را القاء می‌کنند. رنگ‌های مورد استفاده در آیین‌ها بسته به نوع آیین، مفهوم و کارکرد خاص خود را می‌یابند. رنگ سبز در آیین‌های مربوط به ازدواج؛ مانند زن‌گردون (دعوت به عروسی)، ساخت، حمام، حنابندان و عقد و عروسی بومیان هرمزگان، رنگ غالب است و گذشته از پوشش عروس، در تزیینات، پارچه‌ها و وسایل مورد استفاده در آنها به کار می‌رود. استفاده از رنگ سبز می‌تواند علاوه بر معنای مذهبی و تقدّس این رنگ، تحت تأثیر آن دسته از مفاهیم نمادین رنگ سبز باشد که نشان دهنده‌ی آغاز، سرزندگی، مرکز‌گرایی، آرامش، طبیعت، بهشت، فراوانی، کامیابی و صلح هستند. همچنین مفهوم تولید مثل، شادی و اعتماد در رنگ سبز متناسب با مفهوم ازدواج می‌باشد. به کار بردن واژه‌های سبز بختی و سرسبز بودن که از زمان گذشته تا حال مرسوم است؛ می‌تواند برگرفته از همین مفاهیم نمادین باشد. قرمز نیز رنگ مورد علاقه‌ی عروس‌های بومی هرمزگان است. قرمز نماد زندگی و تابشی پرشور از عشق است. رنگ قرمز مفاهیم نمادین گوناگونی دارد که از میان آنها لذت، عشق، جشن و سرور، تهییج جنسی، شور و اشتیاق و جسارت، متناسب با آیین ازدواج است. از منظر دیگر رنگ سبز مربوط به چاکرای قلب و رنگ قرمز مرتبط با چاکرای پایه؛ یعنی مرکز غدد جنسی و انرژی حیات بخش زندگی است. در مراسم

عقد و حنابندان بومی هرمزگان، بر دست و پای عروسی که گاه سبز و گاه قرمز پوشیده است، سرخی حنا قرار می‌گیرد.

از جنبه‌ی دیداری، سبز و قرمز دو رنگ مکمل هستند و مانند همه‌ی مکمل‌ها به هم نیازمندند، همدیگر را تقویت می‌کنند و در کنار هم قرار گرفتن آنها موجب هماهنگی یا هارمونی بصری می‌شود؛ همان گونه که هم‌نشینی و همراهی زن و مرد در آیین ازدواج تکمیل می‌شود و این هماهنگ کننده و نظم‌دهنده‌ی جریان هستی است. از نظر روانی نیز رنگ قرمز قدرت و نیروی اراده را به وجود می‌آورد؛ در حالی که رنگ سبز نرمش‌پذیری اراده و انعطاف‌پذیری را القاء می‌کند. نرمش‌پذیری رنگ سبز به شخص امکان می‌دهد تا در برابر مشکلات ایستادگی کند، در حالی که نیرو و قدرت رنگ قرمز فعالیت و انگیزه‌ی عمل را موجب می‌شود و در نهایت رضایت خاطر را در پی دارد. کنار هم قرار گرفتن این دو رنگ در آیین ازدواج، همان هم‌نشینی دو مفهوم نمادین آرامش، اطمینان و تازگی رنگ سبز است در کنار هیجان و شور و گرمی قرمز، و تقابل آنها لازمه‌ی شروع زندگی مشترک می‌باشد.

پی‌نویس

- ۱- سروده‌ی حافظ شیرازی.
- ۲- شعری از نسیم شمال:
- «به پای شمع شنیدم ز قیچی فولاد زبانِ سرخ سر سبز می‌دهد برباد»
- ۳- از نظر زیگموند فروید، لیبیدو یا زیست‌مایه عاملی غریزی است و پر از انرژی در درون نهاد که تمایل به بقا و فاعلیت دارد.
- ۴- از شهرستان‌های شرق استان و نزدیک میناب.
- ۵- از شهرستان‌های غرب استان و همسایه‌ی استان بوشهر.
- ۶- مصاحبه با حسین مشعری.
- ۷- دوسپاره‌ی منظومه‌ی شمس‌ی؛ ونوس همان ناهید (زهره) و مرکوری تیر (عطارد) است.
- ۸- در علم یوگا، استادان این فن بر این عقیده‌اند که از بدو تولد، نیروی عظیم و خلاقه‌ای در وجود انسان نهاده شده است که در محلی چون یک مخزن در انتهای ستون فقرات قرار دارد. تعالی انسان در بیدارسازی این نیرو و حرکت دادن آن به سمت بالاست. ما دارای هفت چاکرای اصلی هستیم، هر چاکرا رنگی متعلق به خود دارد؛ چاکرای اول یا چاکرای ریشه به رنگ قرمز است، چاکرای دوم زیر ناف نارنجی، چاکرای سوم ناف به رنگ زرد، چاکرای چهارم قلب به رنگ سبز، چاکرای پنجم گلو به رنگ آبی کم رنگ، چاکرای ششم یا پیشانی آبی تیره (نیلی) و چاکرای هفتم یا فرق سر به رنگ بنفش یا سفید می‌باشد (برای اطلاعات بیشتر به کتاب اطلس چاکرا نوشته‌ی کالاشاترا گووین‌دا، ترجمه مهناز مشرقی، انتشارات گل آفتاب مراجعه شود).

منابع و مآخذ

- ابراهیمی، عبدالرحمن (۱۳۹۰)، *شهرستان سیریک از منظر تاریخ، فرهنگ و جغرافیا*، بندرعباس: رسول.
- انصاری نسب، بنیامین (۱۳۹۲)، «*تحلیل نشانه شناختی آیین قبله دعا در قشم*»، پژوهش‌نامه‌ی فرهنگی هرمزگان، سال سوم، شماره‌ی ۵: ۷۰ - ۵۵.
- ایتن، جوهانز (۱۳۸۶)، *کتاب رنگ*، ترجمه محمد حسین حلیمی، چاپ نهم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- باوقار زعیمی، یعقوب (۱۳۸۸)، *از تارم تا طارم (فرهنگ و آداب شمال هرمزگان)*، مشهد: سنبله.
- به آذین، داریوش (۱۳۴۸)، «*مراسم ازدواج زرتشتیان*»، نشریه‌ی هنر و مردم، شماره ۸۵: ۶۰ - ۵۸.
- به‌روزی، علی نقی (۱۳۴۹)، «*رنگ سبز علامت خوشبختی است*»، نشریه‌ی هنر و مردم، شماره‌ی ۹۹.
- پاشایی، ع (۱۳۶۹)، *فرهنگ اندیشه نو*، تهران: مازیار.
- حسینی، حمیدرضا؛ حسینی، سیدهاشم؛ تاج الدینی، حمید (۱۳۷۴)، *مردم‌نگاری شهرستان بندرعباس*، بندرعباس: میراث فرهنگی استان هرمزگان.
- حسینی، حمیدرضا؛ قلی‌پور، فاطمه؛ بناوند، سهراب؛ جوان اجدادی، مجتبی (۱۳۸۲)، *مردم‌نگاری شهرستان بندرلنگه و بستک*، بندرعباس: میراث فرهنگی استان هرمزگان.
- دژگانی، فاطمه (۱۳۹۳)، *باورهای سینه به سینه در هرمزگان*، قم: دارالتفسیر.
- دلاشو، م. لوفلر (۱۳۶۴)، *زبان رمزی افسانه‌ها*، ترجمه جلال ستاری، تهران: توس.
- دوبوکور، مونیگ (۱۳۸۷)، *رمزهای زنده جان*، ترجمه جلال ستاری، چاپ سوم، تهران: مرکز.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵)، *فرهنگ دهخدا*، تهران: چاپخانه مجلس.
- سان، دوروتی و هوارد (۱۳۷۸)، *زندگی با رنگ*، ترجمه نغمه صفاریان پور، تهران: حکایت.
- سایبانی، احمد (۱۳۷۷)، *از بندر جرون تا بندرعباس*، بندرعباس: چی چی کا.
- شوالیه، ژان؛ گبران، آلن (۱۳۸۸)، *فرهنگ نمادها*، چاپ دوم، ترجمه سودابه فضائلی، تهران: جیحون.
- فروم، اریک (۱۳۶۶)، *زبان از یاد رفته*، ترجمه ابراهیم امانت، چاپ دوم، تهران: مروارید.
- فلسفی میاب، علی؛ ابوالفتحی، مریم؛ بناوند، سهراب (۱۳۷۹)، *مردم‌نگاری شهرستان قشم*، پژوهش‌کنده مردم نگاری: میراث فرهنگی هرمزگان.
- قرآن عظیم، به قلم فیض الاسلام، نویسنده طاهر خوشنویس، تهران: سرای امید.
- کارکیا، فرزانه (۱۳۷۵)، *رنگ نوع‌آوری و بهرموری*، تهران: دانشگاه تهران.
- کریمی، نصرالله (۱۳۹۰)، *پارسیان پاسیان خلیج فارس*، تهران: همسایه.
- کوپر، جی سی (۱۳۸۵)، *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، تهران: فرهنگ نشر نو.
- گووین‌دا، کلاشاترا (۱۳۹۵)، *اطلس چاکرا، راهنمای علمی و عملی کار با چاکراها*، ترجمه مهناز مشرقی، چاپ پنجم، مشهد: گل آفتاب.

لوشر، ماکس (۱۳۸۸)، *روانشناسی رنگ‌ها*، ترجمه ویدا ابی‌زاده، چاپ بیست و پنجم، تهران: دُرسا.

محمودی، کورش؛ شکیبا منش، امیر (۱۳۹۰)، *اصول و مبانی رنگ‌شناسی در معماری و شهرسازی*، چاپ پنجم، تهران: طحان.

مهرابی، محبوبه (۱۳۸۸)، «مقایسه بین نسلی فرهنگ عامیانه با تأکید بر ازدواج و زناشویی»، فصلنامه آموزشی و پژوهشی گل‌پنگ، سال هفتم، شماره‌ی ۳ - ۴: ۷ - ۲۰. موسوی فاطمی، نادر؛ اسدی، شهریار؛ آذرباش، فاطمه (۱۳۸۳)، *رنگ‌شناسی تخصصی لباس*، چاپ چهارم، تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی فنی و حرفه‌ای. نقوی، حسام‌الدین (۱۳۹۲)، «مؤلفه‌های بینش اسطوره‌ای در مراسم «زار» نمونه موردی، زار در بندرعباس»، پژوهش‌نامه‌ی فرهنگی هرمزگان، شماره‌ی ۶ - ۷: ۱۶۰ - ۱۹۹.

نوری، صدیق (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی کاربرد رنگ در شعر محمود درویش و منوچهر آتش»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۹۲)، *انسان و سمبولهایش*، چاپ نهم، ترجمه محمود سلطانیه، تهران: جامی.

گفت‌وگوها

ذاکری، محمد: پژوهشگر، مدرس دانشگاه و رسانه نگار هرمزگانی.

سایبانی، فاطمه: بانوی فرهیخته اهل فین هرمزگان.

مشعری، حسین: هنرمند تجسمی و مدرس دانشگاه، اهل میناب.

نقوی، حسام‌الدین: پژوهشگر و نویسنده‌ی هرمزگانی.

Green and Red Symbolism in the Wedding Rituals of Hormozgan

F. Amini¹

N. Atighehchi²

Abstract

Typically, customs and traditions of Hormozgan are full of signs and symbols. Understanding these traditions requires a proper understanding of the beliefs, opinions, and indigenous folk culture of the region. Thus, realizing local customs demands delving into national identities of the native people. Apart from its beauty and specific psychological characteristics, color is one of the most significant visual elements in wedding rituals of Hormozgan, which is a uniquely important tradition of this geographical area. Library Studies and field observations have shown that green and red are the most common colors in wedding rituals of Hormozgan province. The present study was set out to investigate the symbolic aspect of these two colors and their meanings in customs and wedding rituals of Hormozgan. In doing so, firstly information about different customs and rituals in which these colors play a significant role was collected. Then using analytical descriptive methods, their symbolic aspect was examined. The results of this study indicate that the colors green and red, besides their beauty, have symbolic meanings associated with the concept of respective rituals.

Keywords: symbol; red; green; wedding rituals; Hormozgan

1. Main Painting

2. Academic and Coaches Painting, Azad University of Tehran Center.